

در مجموعه‌ای در کتابخانه ملی ملک که بعداً مجلدات مرآت البلدان می‌شده است، شرحی دربارهٔ میانکاله آمده است:

میانکاله را قدیم انجیله می‌نامیدند. یحتمل چون درخت انجیر بسیار دارد به این وجه تسمیه شده باشد. عبارت از قطعه ارضی است که اطول عرضش زمینی است موسوم به «مقیمی» تقریباً نیم ساعت در میانه آن خشکی که دوقلعه دولتی مسمی به پلنگان و سرتک به مسافت پنج ساعت و نیم از یکدیگر واقع و طولش از پل مشهور به «تسکارود» تا مقابل آشوراده، هشت ساعت است. میانکاله در بین مرداب که مشهور به لنگرگاه استرآباد و بحر خزر است واقع گردیده و حسب الامر دوقلعه ساخته شده که شرحش در راپورت مبسوطه عرض گردیده.^{۵۴}

قلعه پلنگان

به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۵ قمری، برای جلوگیری از دستبرد و تجاوز ترکمانان، قلعه پلنگان در شبه جزیره میانکاله ساخته شد. اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات خود دربارهٔ این قلعه می‌نویسد:

چهارشنبه سوم شوال ۱۲۹۲ قمری به قلعه پلنگان رفتیم. بنای این قلعه را هفت سال پیش به حکم شاه نموده‌اند و ظاهراً ده دوازده هزار تومان خرج شده، می‌گویند برای ترکمانها ساخته شده که نیاند دزدی و شرارت کنند. امروز شاه در قلعه پیاده شدند، آنجا را گردش فرمودند. قلعه هشت برجهای با آجر کهنه فرح آباد، در عوض گچ و آهک با گل اینجا که همه شن است ساخته شده، گمانم اینست که زود خراب شود، نه قلعه جنگی است نه عیسی، بنای بیمعنی و بیخودی است.^{۵۵}

۵۴- مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی ملک. ۵۵- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۳۸ و ۳۹ به نقل از آشوراده و هرات.

اعتماد السلطنه ساختن قلعه پلنگان را در المآثر و الآثار به سال ۱۳۰۱ قمری ذکر کرده و می‌نویسد:

احیاء و انشاء قلعه پلنگان در میانکاله درمازندران در سال ۱۳۰۱

قمری.^{۵۶}

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود در باره قلعه میانکاله می‌نویسد:

چهارشنبه سوم شوال (سال ۱۲۹۲ ه. ق.) سوار شده، خیلی رانده، رسیدیم به قلعه میانکاله. توپچی خرقانی با دو عراده توپ در جلو دریای کوچک بودند. قلعه میانکاله قلعه خوبی است. عباسقلی خان اشرفی با تفنگچی اشرفی و اهل و عیال در این قلعه هستند. دیوار و برج قلعه از آجر است. دو دروازه دارد. رفتیم بالای سر قلعه نماز کردم. دریای بزرگ از این بالاخانه پیدا بود.^{۵۷}

حاجی زین العابدین شیروانی در شعبان ۱۳۱۵ ه. ق، دربارهٔ این قلعه می‌نویسد:

قلعه میانکاله محتاج به مرمت است و حدفاصل با روس است،

نه سربازی دارد و نه سربسته توپی.

میان قلعه: قلعه‌ای بوده است که میان پلنگان و قلعه سرتک ساخته بوده‌اند این نام فعلاً نام یکی از پاسگاههای مرزی کشور و شعبه شیلات در شبه جزیره میانکاله است. این محل در یازده کیلومتری غرب آشوراده بزرگ و ۲۲ کیلومتری غرب تازه‌آباد واقع است. بنای اولیه که فعلاً مورد استفاده پاسگاه است از آثار دوران صفویان است.

۵۶- المآثر و الآثار ص ۸۰. ۵۷- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۹. ۵۸- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶.

قلعه پلنگان و قلعه سرتك

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره این دو قلعه می نویسد:

قلعه پلنگان و سرتك در شبه جزیره میانکاله از بناهای ناصرالدین شاه است. در شوال سنه ۱۲۹۲ که در رکاب همایون شاهنشاهی مؤلف به سفر مازندران رفته بود. شبه جزیره میانکاله را که محاذی اشرف است به دقت ملاحظه نمود. بلکه مرداب میانه اشرف و میانکاله را که در شمال اشرف و جنوب میانکاله واقع است سیر کرده. آبادی که در میانکاله شده، ابتدای آن پنج سال قبل است. در این مدت دو قلعه به حکم همایون بنا شده، یکی در محل موسوم به پلنگان محاذی اشرف است که تمام شده و توپ و سرباز و تفنگچی دارد. دیگری قلعه سرتك است که قریب به اتمام است.^{۵۹}

همو درباره قلعه سرتك می نویسد:

احداث قلعه سرتك در میانکاله در مازندران که از عظیم آثار است بتاریخ ۱۳۰۱ هجری^{۶۰} ناصرالدین شاه در بازدید از قلعه سرتك می نویسد:

جمعه پنجم شوال (سال ۱۲۹۲) سوار شدیم برای سرتك، قلعه جدید سرتك نمودار شد که امسال حکم به ساختن آن شده و کنار دریای کوچک بنا کرده اند. نیم فرسنگ تا انتهای نیم جزیره میانکاله فاصله دارد. چهار برج قلعه سرتك تمام است اما دیوار قلعه ناتمام است که باید بسازند در خوب نقطه ای واقع شده است. رفتیم بالای یکی از بروج چون هوا گرم بود، در سایه آن برج استراحت نمودم. استاد علی معمار کاشی آنجا کار می کند. الحق بسیار خوب و محکم بنا کرده است.^{۶۱}

حاجی زین العابدین شیروانی درباره این قلعه می نویسد:

۵۹- مرآت البلدان ج ۱ ص اول. ۶۰- المآثر والآثار ص ۸۰.

۶۱- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از بهشهر ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

قلعه سرتك حکم جزیره دارد و موجب خجالت در مقابل آشوراده

افتاده که به روسیه مرحمت شده.^{۶۲}

مرحوم مهجوری در تاریخ مازندران خود می نویسد:

روز شانزدهم ذیحجه سال ۱۲۸۳ ناصرالدین شاه از اشرف به ناصر آباد رفت و یک روز در آنجا توقف کرد. روز دیگر از ناصر آباد به مقیم می در وسط میانکاله تشریف فرما شد و آبسکون عسارت از همین میانکاله است.^{۶۳}

سه تالار
در میانکاله

صاحب نخبه کامرانی می نویسد:

صنعتگران به معماری رأی رزین آن حضرت به بنای سه دولت- سرا که عبارت از سه تالار گردون آسار باشد پرداخته، پایه ارتفاع آن را همروش چرخ برین ساخته اند.^{۶۴}

حاجی محمد میرزا مهندس در ماه صفر ۱۲۹۹ قمری به شبه جزیره میانکاله سفر کرده و در گزارش خود به نام «راپورت میانکاله» می نویسد:

به فرمان ناصرالدین شاه دو قلعه در میانکاله ساخته شد، نخست قلعه پلنگان و دیگری «سرتك» که نزدیک انتهای شرقی میانکاله می باشد. میان این دو قلعه پنج ساعت و نیم راه است. میانکاله در زمان شاه عباس شکارگاه بوده است.^{۶۵}

۶۲- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶. ۶۳- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۷۹. آبسکون

ظاهر غیر از شبه جزیره میانکاله است. ۶۴- نخبه کامرانی ص ۱۳۵.

۶۵- راپورت میانکاله شماره ۴۳۳۰ مجموعه خطی کتابخانه ملی ملک به نقل از آشوراده و هرات ص ۲۷.

میانکاله در دوران حکومت ظل السلطان

ظل السلطان درباره میانکاله می نویسد:

وقتی که در بلده^{۶۶} در اردوی همایون (اردوی ناصرالدین شاه) بودم، دستور العملی به جناب بهاء الملک وزیر من و من مرحمت فرمودند که میانکاله را ضبط کرده قلعه بسازیم و در او ساخلو بگذاریم. این میانکاله همان شبه جزیره آبسکون است. این شبه جزیره که امروز میانکاله می گویند، زیانه است از خشکی که به دریا می رود و به شکل قیف از جنوب به شمال می رود. آخر شبه جزیره قدری اعوجاج پیدا می کند و به طرف شرق می رود. طول این شبه جزیره قریب پانزده فرسنگ و عرضش از دو فرسنگ و نیم الی سه فرسنگ در شمال اشرف واقع است. از گلوگاه و تپه کلباد (اصل: کربال) که رضاقلی خان سرتیپ کلبادی (اصل: کربالی) خانه اش آنجاست هفت فرسنگ است تا میانکاله.^{۶۷} همین تپه کلباد (اصل: کربال) و گلوگاه را اوایل سلطنت قاجاریه، برای مختصر جلو گیری از تراکمه با ساخلوی زیاد و مخارج زیاد قرار گذاشته بودند قریب به دو بیست سال این جزیره و قسمت زیاد از اطراف این جزیره از حلیه آبادی افتاده بود. نه تنها مأمّن و حشیان دوپا شده بود، بلکه وحشیان چهارپا و وحوش صحرا مقدار زیادی در آنجا جمع شده بودند. در این مدت دو بیست سال قرق طبیعی شده بود. در تمام عمر این کثرت شکار از چرنده و پرنده در هیچ جای عالم ندیدم. چون برای ضبط جزیره و ساختن عمارت و قلعه و غیره لازم بود مدتی در آنجا بمانیم، بی اردوی دولتی ممکن نبود و رفتن آنجا خالصی از خطر هم نبود، به این جهت با اردوی کاملی رفتیم.

از شهر ساری به گلوگاه آمدیم که خانه رضاقلی خان کلبادی (اصل: کربالی) بود، بعد از چند شب توقف آنجا به طرف میانکاله حرکت کردیم.

۶۶- مرکز بیلاقی و کوهستانی ناحیه نور. ۶۷- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۶۲.

در عرض راه آبادی و دهاتی نبود و منزل هم نبود وارد دهنه جزیره شدیم با این اردوی به این بزرگی چهل روز در این جزیره کوچک ماندیم بعد از ساختن قلعه و گذاشتن ساخلو صحیح آنجا و ترتیب جزیره از راه کلباد و گلوگاه به ساری حرکت کردیم.^{۶۸}

عمارت ظل السلطان در میانکاله

ظل السلطان در سرگذشت خود یاد آور می شود که چنین بنائی ساخته است:

اینکه بجزیره آبسکون به این دریاچه می گویند، یکی بواسطه اینست که این بحیره را به اسم این جزیره می خوانند. اسامی دیگر هم دارد که خواهم نوشت. ولی علی الحساب میانکاله می گویند. شرح حالش را چون به حکم پدر تاجدارم آنجا سفر کردم با اردوی دولتی و شکار زیادی شده، تفصیل آن را در تفصیل شکار خودم خواهم نوشت. عمارتی هم در آنجا ساختم.^{۶۹}

رایینو اطلاعات بیشتری درباره میانکاله به ما می دهد:

شبه جزیره میانکاله حدود زاغمرز است. صحرای شاه حسینی از دهانه توسکارود یک میلی زاغمرز و هشت میلی پلنگان است. در مشرق توسکارود، مراتع «یکه توت» و «گشاده» و «یک درلپو» و «شیرخان لپو» است. کنار درختی جوی آبی جاری است که به «چشمه سر» یا «ملاصادق» معروف است.

ادامه شبه جزیره میانکاله شرقی است. از زمینی نزدیک زاغمرز تا مسافتی در حدود سی میل و آخر آن به سه جزیره آشوراده ختم می شود. زمینی شنی است که عرض آن از سه تا چهار میل تجاوز نمی کند و طرف شمال

۶۸- تاریخ سرگذشت مسعودی صفحه ۶۲ و ۶۳ و ۶۴.

۶۹- تاریخ سرگذشت مسعودی مسعود میرزا ظل السلطان ص ۲۵.

آن تپه‌های شنی کوتاهی است و پشت آنها درختان فراوان انار جنگلی و بوته‌های خار که در محل به نام «تلو» معروف است و بیشه‌ای غیر قابل عبور تشکیل داده است.

طرف جنوب آن باتلاقی و نیزار است. جنوب غربی شبه جزیره مضمرس است و تشکیل شبه جزیره های متعدد داده است. چند درخت جزیره است. درخت تسوتی ابتدای خاک « یعقوب لنگه » است و درخت انجیری نشان قلعه پلنگان . قلعه پلنگان که تا زاغمرز يك ساعت و سه ربع فاصله دارد، در منتهی الیه غربی شبه جزیره ساخته شده است. قلعه‌ای هشت ضلعی است و بر هر کنج آن برجی با بام کاشیکاری است . فاصله میان برجها هشتاد قدم است.

به دستور ناصرالدین شاه و تا سال ۱۳۱۹ قمری سی و پنج سرباز اشرفی در این قلعه ساکن بوده اند که جلودزدان دریائی ترکمن را بگیرند و قرق شبه جزیره را حفظ کنند. زیرا در آن تاریخ تیراندازی و چرای گاو و گوسفند در آنجا ممنوع بود.

در زمان مظفرالدین شاه این قرق شکست و این شبه جزیره در دوران زمستان محل چرای گله‌های گاو میش انزان و فرح آباد بود .

آن طرف قلعه پلنگان استخری به نام «پلنگان اسل» است که آبشخور گله‌های آنجاست و پس از آن استخر دیگری به نام «ترك اسل»^{۷۵} است پس از این استخر درخت عظیم انجیری به نام «اسپی انجیل» است که در مرتع «چنگور»^{۷۶} است. پس از آن به «داغداغان اسل» می‌رسیم که آبی لجن آلود و سیاه رنگ دارد.

این شبه جزیره پر از شکار گوزن و گراز و قرقاول و خروس جنگلی و مرغابی و غیره است. سروصدای پرندگان آبی شب هنگام ما را مانع

۷۰- اسل بفتح الف وسین به معنی استخراست . ۷۱- بفتح ج .

خواهیدن بود.

از توسکابن که از زاغمرز يك ميل فاصله دارد تا پلنگان هشت ميل است. پس از پلنگان به «گواسل»^{۷۲} می‌رسیم که هشت ميل فاصله دارد. بعداً تنگ مقیمی که باریکترین قسمت شبه جزیره است ، در سه میلی گواسل است .

پس از آن «گوکله شور»^{۷۳} (گاو + کله + شور)^{۷۴} است. در این ناحیه بقدری گل فراوان است که شبانان باید از کله گاوهای مرده استفاده کنند و آنها را سنگهای قدمگاه خود قرار دهند و سه ميل از محل قبلی فاصله دارد. سپس لله و نگا* و خرما که چهار ميل فاصله دارد. معروف است که خرما محل شهری قدیمی بوده است. از خرما تا سرتك تقریباً چهار ميل و از سرتك تا دوميل دیگر انتهای شبه جزیره است. می‌گفتند از انتهای شبه جزیره می‌توان به جزیره آشوراده رفت زیرا عمق دریا زیاد نیست.

در سرتك سابقاً قلعه‌ای بوده است که به دستور ناصرالدین شاه ساخته بوده‌اند و تا سال ۱۳۲۱ قمری پادگان سربازان اشرفی بوده است.^{۷۵}

نپیر^{۷۶} می‌نویسد که طول این شبه جزیره دوازده فرسنگ است که از قلعه پلنگان سه منزل است، منزل زردی، منزل مقیم، منزل سرتك . در قلعه روسیان چهار میلی مغرب سرتك در کنار ساحل نقطه ایست که آثار قلعه خرابه‌ای روسی دیده می‌شود . ممکن است جای استکارازین Stenka Razin قبلا از اینکه خاک ایران را ترك کند بوده (در سال ۱۰۷۹ قمری) یا

72- Gu. Asa I

۷۳- بضم گاف و کسر کاف و فتح لام و فتح شین و واو .

۷۴- بمعنی گودال کله گاو است .

۷۵- سفرنامه را بینو متن انگلیسی صفحات ۶۱۶۰ . Napier - ۷۶

* - Lalavangâ .

محل قلعه ایست که کنت ویونویچ در سال ۱۱۹۶ قمری برپا کرده . در آن از «اروس قلعه» یاد می کند و محل آن را در جزیره ای نشان می دهد.^{۷۷}

گورستان روسها در میا نکاله

یکی از همراهان درن در سفرنامه خود از این گورستان یاد کرده است.^{۷۸}

ویرانه های تزاری در شبه جزیره میا نکاله

در میان قلعه نیز آثار خانه های آجری ویران شده بسیار است که اکنون تلهای بسیار پاره آجر از آنها بر جای مانده است.^{۷۹}

نزدیک همین ویرانه ها دو گورستان با گورهای زیر و بالا شده بسیاری دیده شد که گویا کسان در پی یافتن چیزهای بهادار مانند: شمشیر و نشان و مدال و جز آن که در آن وقت افسران نیروی دریائی را با آنها به خاک می سپردند تمام گورها را کنده بوده اند و سنگ قبرها را به کناری انداخته بودند. نوشته سنگ قبرها به خط ارمنی و بیشتر به خط روسی بود. قدیمی ترین تاریخ آنها سال ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ بود. بر سنگ قبرها چند گونه علامت صلیب به اشکال مختلف دیده می شد.^{۸۰}

آثار تاریخی در شبه جزیره میا نکاله در بازدید تیرماه ۱۳۶۵

قلعه پلنگان

از زاغمرز که وارد شبه جزیره میانکاله می شویم ابتدا به دوراهی قلعه پلنگان می رسیم و بانود درجه گردش به دست راست و طی فاصله ای در حدود دو کیلومتر آثار بازمانده قلعه پلنگان را می بینیم . قلعه پلنگان از قلعه های نظامی است که در دوران

۷۷- سفرنامه رابینو متن انگلیسی ص ۱۶۰ . ۷۸- سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۳۷ . ۷۹- آشوراده و هرات ص ۷۳ و ۷۴ . در تیرماه سال ۱۳۶۵ شمسی که نگارنده آشوراده را بررسی کرد، از این ویرانه ها چیزی ندید . ۸۰- آشوراده و هرات ص ۷۴ . در تیرماه سال ۱۳۶۵ شمسی که نگارنده از این نقاط بازدید می کرد چنین گورستانی ندید.

ناصری احداث شده است. آجرهای قلعه را به غارت برده و اراضی آن را کند و کاو فراوان کرده بودند. امروز مخروبه حمام آن به چشم می خورد. ظاهراً در هشت کنج قلعه هشت برج حفاظتی در فاصله ای در حدود ۷۰-۸۰ متر بنا شده بوده است. در نزدیکی قلعه پاسگاه حفاظت محیط زیست بنا شده است.

میان قلعه

از دوراهی قلعه پلنگان تا میان قلعه که امروز صیدگاه شیلات است مجموعاً ۳۸ کیلومتر است. از اینجا با نود درجه گردش به دست راست و پیمودن دو کیلومتر فاصله به آثار بازمانده میان قلعه می رسیم.

میان قلعه که اراضی زیربنای آن به یک هکتار می رسد اطلال و آثار است و از بنای قلعه نشانی بر جای نیست. مصالح بنای قلعه آجرهایی بوده است که تماماً به غارت رفته و صرف بناهای دیگر شده است. آنچه از آجرها باقی بود، اندازه گیری شد و به شرح زیر است.

۲۶×۲۶×۴ ، ۲۱/۵×۲۱/۵×۲ ، ۲۰×۲۰×۵ سانتیمتر
و پاره آجرهایی به قطر ۱۰ سانتیمتر که شاید بتوان گفت بازمانده مصالح قلعه قدیمی تری بوده است.

بناهای نظام آشور

در بنه علی اکبر

در پنج کیلومتری صیدگاه میان قلعه با گشتن نود درجه به دست راست و طی فاصله ای در حدود دو کیلومتر به آثار باقیمانده ساختمانهای روسی می رسیم که در محل معروف به نظام آشور است.

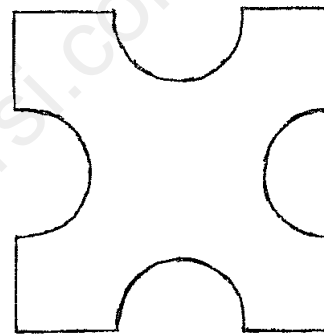
امروز دو بنای مستطیل شکل که در امتداد هم در جهت شمال و جنوب ساخته شده است برقرار است (عکس شماره ۳۸۵ و ۳۸۶). بام آنها ظاهراً نوعی سفال بوده است که در روسیه پخته شده است. تقریباً بر تمام سفالهای شکسته نوشته ای

به خط لاتین تقریباً در این کلمات در آنها تکرار می‌شود:

(GUICHARD CARVIN & CIE STANDRE نقش زنبور) ممکن

است این سفالها مصرف دیگری نیز داشته‌اند.

در شمال این دوینا، خرابه‌های زیادی از بناهای عظیمی دیده می‌شود که چهار پایه بتن ریزی آن‌ها امروز (تیر ۱۳۶۴ شمسی) باقی است. یکی از پایه‌ها، مربعی



به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر بود که میان اضلاع آن بریدگی داشت. این بریدگیها به شکل ناوهای شیب‌داری بود و داخل بتن، پایه‌ها، میله‌های آهن گرد به کار رفته بود.

در محوطه، پاره‌های ذغال سنگ «آنتراسیت» زیاد دیده می‌شود که ظاهر آبرای به کار انداختن کوره‌های تعمیراتی کشتی به کار می‌رفته است و از روسیه آورده بوده‌اند.

بنائی دیگر در يك كيلومتری

شرق نظام آشور

بنائی مستطیل شکل با مصالح بناهای نظام آشور در يك كيلومتری این محل بنا شده است. این بنا کوچکتر از دو بنای نظام آشور است. این بنا هم در کنار پیشرفتگی مصنوعی خلیج گرگان ساخته شده و در تعداد بناهای روسهاست.

شبه جزیره میانکاله

درازای شبه جزیره میانکاله از دوراهی قلعه پلنگان تا دهکده آشوراده ۵۶ کیلومتر است. حاشیه شمالی آن دریای خزر و حاشیه جنوبی آن خلیج گرگان است. این شبه جزیره از قدیم مرکز پرورش گاو و گوسفند و گاو میش بوده است و

مراعات آن از غرب به شرق به نامهای زیر خوانده می‌شود:

۱- وازمل استل VĀZMEL - ASTAL

۲- ایلخی چی منزل ILXICI MANZEL

۳- قو استل QU - ASTAL

۴- تنگه TANGEH

۵- قزل QAZAL

۶- جفت توغ JOFTE - TUQ

۷- لله و نگه LALE VANGE

۸- کپورچال KAPUR ĀCAL

۹- قلعه: منظور اراضی میان قلعه است.

۱۰- آشورکه آخر شبه جزیره و دهکده آشوراده بر اراضی آن بنا شده است.^{۸۱}

آشوراده

در انتهای شرقی شبه جزیره میانکاله دهکده آشوراده است که فاصله آن از نظام آشور ده کیلومتر است. امروز تأسیسات عظیم شیلات و تشکیلات اداری آن و چند در مغازه و مدرسه و مسجد و بیمارستان واسکله در آن دیده می‌شود. در شمال غربی مرکز دهکده، قلعه‌ای از دوران رضاخان به چشم می‌خورد که پاسگاه ژاندارمری آن زمان بوده است مصالح آن آجر و ماسه آهک است و نسبتاً برقرار است. بناهای داخلی آن را برای استفاده از آجرها خراب کرده بودند ولی بارو و سر در آن نسبتاً سالم مانده است. (عکس شماره ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰).

کلمنت رابرت مارکام^{۸۲} که از سال ۱۲۲۵ تا ۱۳۳۵ قمری زندگی کرده (۱۸۱۰ تا

۸۱- این اطلاعات از آقای نوروز علی خادم‌لو گلوگاهی کسب شده است.

۱۹۱۶ میلادی) درباره آشوراده می نویسد:

در این وقت که قشون ایران از زحمت سفر هرات شکسته شده بودند و به دولت ایران خسارت بسیار وارد آمده بود، روسها مقصود خود را به عمل آوردند و جزیره آشوراده واقعه در بحر خزر را بدون جهت متصرف گشتند. این جزیره در خلیج استراباد در سه فرسنگی ساحل بحر خزر، نزدیک به شهر استراباد واقع است^{۸۳}. تقریباً نیم فرسنگ طول و ربع فرسنگ عرض دارد. زمین آنجا شنزار است. در حوالی سواحل جزیره چند چشمه عمیق آب شیرین دارد.^{۸۴}

در سنه ۱۲۵۷ هجری دولت روس دوفروند کشتی جنگی به جزیره آشوراده فرستاد. در ظاهر به اسم اینکه تراکمه وحشی را که در ساحل بحر خزر دزدی می کنند تنبیه نمایند و لکن در باطن برای آنکه بدون جهت ملک همسایه دوست و متحد خود را تصاحب نمایند.

وقتیکه دولت ایران برای این حرکت روسها و دست اندازی ایشان به ملک ایران شکایت نمود، دولت روس در جواب گفتند دولت ایران حق ناشناس است و ما در دوستی محق هستیم که این جزیره را متصرف باشیم.

اکنون دولت روس در جزیره آشوراده خانه های روسی و سربازخانه ها و مریضخانه ها بنا نموده است و چند قطعه باغ در آنجا ساخته اند.^{۸۵} کشتی ایرانی و ترکمنی را نمی گذارند که بدون پاسپورت به سواحل جزیره بروند.

آشوراده خیلی محل مهمی است برای خیالات دولت روس در

۸۳- این جزیره هیچگاه در سه فرسنگی دریای خزر و نزدیک شهر استراباد نبوده است.

۸۴- ظاهراً منظورش چاه است. زیرا در این جزیره چشمه ای وجود نداشته است.

۸۵- امروز (تیرماه ۱۳۶۵ شمسی)، از این بناها اثری برجای نیست.

وسط آسیا و بواسطه این جزیره به ممالک هندوستان خیلی نزدیک شده اند. آذوقه و اسلحه قشون را در این جزیره ذخیره می کنند. در ساحل مقابل جزیره آشوراده دهنة رودخانه گرگان است، در این رودخانه کشتی های کوچک به طرف مشهد مقدس چند فرسنگ ممکن است حرکت نمایند. از استراباد الی دره گز (سی فرسنگی مشهد مقدس) اطراف رودخانه وسیع، چمنزار است. گله و رمه تراکمه در آنجا چرا می کنند. زراعت جو و گندم در آن اراضی به عمل می آید. در تجر و تاش، شش فرسنگی شمال شاهرود و در رامیان پانزده فرسنگی سمت شرقی استراباد معادن زغال سنگ موجود است. این مطالب هم دلیل بر آن است که جزیره آشوراده محل مهمی است و دولت روس در آتیه می تواند قشون زیاد از آنجا حرکت داده، به اراضی خراسان و هرات تاختن نماید و ممالک هندوستان انگلیس را مغشوش کند.^{۸۶}

مؤلف تاریخ ایران در دوره قاجار می نویسد:

در ایران همچو مشهور شده بود که روسهای متوقف در آشوراده جعفرقلی خان بجنوردی را به شرارت و نافرمانی تحریک کرده بودند و در شورش خراسان شرکت داشته اند.^{۸۷} این شهرت بدون صدق هم نبود. چه در سنه ۱۲۶۸ قمری روسها قصه گرگ و میش را به میان آوردند و تحکاماتی به دولت ایران کردند که مردم ایران از سخنان آنها خندیدند و ایشان را استهزاء کردند. روسها که در جزیره آشوراده به تراکمه که در ساحل مقابل جزیره بودند خیلی سخت گرفتند و اعمال ایشان را همیشه ایراد می کردند و مدت ها بود که اسباب رنجش آنها را فراهم کرده بودند. آخر الامر

۸۶- تاریخ ایران در دوره قاجار ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۸۷- اشاره به ظلم و جور آصف الدوله و خانواده اوست که حاجی میرزا آقاسی جمیع اموال او را مصادره کرد و خانواده او را به ققر نشاند.

تراکمه در صدد آن شدند که تلافی نمایند و منتظر فرصت بودند تا آنکه روسها به خواب خرگوشی رفتند و ترکانان بر آنها تاختن نمودند. رسم روسها آنست که در شب بعد از عید پرهیز مذهبی بقدری خمر می‌خورند که مدهوش و لایعقل می‌شوند.

طایفه تراکمه یموت از این مطلب مخبر شده بودند و در همان شب عید که ظلمت عالم را فرا گرفته بود به جزیره آشوراده ورود کردند و روسها را مست دیده، چندین نفر از قراولان و مستحفظین را به قتل رساندند و بیست نفر از آنها را دست بسته به همراه خود بردند که به غلامی بفروشدند و سلامت به ساحل برگشتند.

کشتی جنگی که در خلیج استراباد بود، چند تیر توپ به یسهوده شلیک کرده و فایده نبخشید. ایرانیهای گفتند که گویا کشتی روسها نیز مانند خودشان مخمور و مست افتاده.^{۸۸}

کاپیتان چارلز فرانسیس مکنزی در سال ۱۲۷۶ قمری (فوریه ۱۸۵۹ میلادی) از بندر گز با کشتی «گاما» به جزیره آشوراده رفته و درباره آن می‌نویسد:

از بندر گز تا آشوراده یک ساعت و نیم طول کشید تا در آشوراده لنگر انداختیم... بعد از اینکه لباس افسری خود را به تن کردم، توسط قایق ناخدا به خشکی رفتم و به آقای لیچارف و معاون ناخدا در خانه آقای ملگنوف که رئیس یا نماینده کمپانی جدید روسی آشوراده بودند برخوردیم.

روز بعد آقای ملگنوف و همه اشخاص برجسته این مؤسسات جمع شده بودند که جشن بگیرند. آقایان سیزده نفر و همه افسر بودند. در اطاق طولی راه می‌رفتند و سخن می‌گفتند و سیگاری کشیدند. در اطاق دیگری خانمها مشغول ورق بازی بودند. در واقع هیچ مشغولیات دیگری ندارند و به نمایش اسب سواری هم علاقه‌ای ندارند. پیاده روی، روی یک جزیره

۸۸- تاریخ ایران در دوره قاجار ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

ماسه‌ای نیز زیاد لذت بخش نیست.^{۸۹}

آقای لیچارف مرا به صبحانه دعوت کرد. خانه او در غرب جزیره قرار داشت و فقط از دو اطاق و یک ایوان تشکیل می‌شد. او و خانمش جای زیادی نداشتند. در جلوی خانه، تالار بزرگی برای دیدبانی است و در فصل گرما از آن استفاده می‌کنند. چون باد دریا آنجا را خنک نگه می‌دارد. بین تالار و خانه چهار توپ یک کیلو نیمی قرار داشت. آقای لیچارف پیشنهاد کرد که چیزهای دیدنی جزیره را به من نشان دهند. اول به کلیسا رفتیم یک ساختمان قشنگ چوبی است که سقف آن سبز رنگ و روی آن یک صلیب قرار دارد و محصور است. این عبادتگاه کوچک بسیار مرتب بود و نقاشیهایی که داشت خوشبختانه از سبک قدیمی و زشت مکتب ارتدکس بی‌زانس نبود. بلکه توسط هنرمندان جدید نقاشی شده بود و «هلن» و «کنستانتین» را نشان می‌داد. کشیش مرد خدائی بود با ظاهر بسیار جدی و تقریباً پنجاه ساله با زن و دو دختر... نزدیک کلیسا قبرستانی بود و تعداد صلیبها نشان می‌داد که میزان رگ و میر در آشوراده زیاد است... یک سربازخانه در جزیره هست که ساختمانش مانند سایر ساختمانها به منتهی درجه مرتب و تمیز به نظر می‌آمد. دو کشتی قدیمی نیز در کنار ساحل قرار داشت که یکی زندان بود. یکی از آنها چهار توپ تقریباً یک کیلو نیمی دارد که برای تمرین توپ اندازی از آن استفاده می‌شود و هر دو بقدری کهنه و فرسوده شده‌اند که عقابهای امپریال روی آن بسختی دیده می‌شد. تعداد افسران با اطبا و فرمانده روی هم ۱۳ تن است... بیمارستان آنها ۱۴ الی ۱۵ تخت خواب دارد و هر چند کوچک است ولی دو نفر جراح مسئول آن بودند. چند مغازه آهنگری، نجاری، نانوائی لباسشویی و ۴۵ ساختمان که نصف آنها کلبه‌های مسکونی بودند وجود داشت... در این بندر ۲۴ کشتی ساخت

۸۹- آشوراده و هرات ص ۴۴ و ۴۵.

باکو وجود دارد که میان ده الی پانزده تن بودند.

ذغال سنگی که به کار می‌برند نوع خوبی است که از روسیه وارد می‌کنند ولی بسیار گران است و کشتیها برای صرفه‌جویی چوب زیاد مصرف می‌کنند و زغال را در سفرهای طولانی به استراخان و انزلی و باکو مورد استفاده قرار می‌دهند. از ایران زغال نمی‌خرند. با اینکه زغال ایران زیاد است ولی نوع آن خوب نیست.

جزیره آشوراده چهارده ورست روسی (هر ورست ۱۰۶۷ متر) باگز فاصله دارد و عرض آن يك ورست می‌باشد.^{۹۰}

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره آشوراده در سال ۱۲۹۲ قمری می‌نویسد:

شنبه ششم شوال ۱۲۹۲ قمری بقیه سفر آشوراده است. صبح زود برخاسته دور جزیره را گردش کردیم. سی سال قبل که این جزیره واگذار به روسها شده بود، دورش يك فرسخ بود. اما کم کم آب شسته، بخصوص پارسال که نصف جزیره طرف شمال را آب برده، بطوریکه حالا دور جزیره یعنی آنجاها را که آب نگرفته است و از طغیان آب سالم است، خانه ساخته، زیاد تر از دوهزار ذرع نیست. پارسال چهل خانوار را بواسطه گرفتن آب جزیره، کوچانیده به باد کوبه فرستادند. طغیان آب طوری است که گاهی خانه دریاییگی در معرض تلف است. بنای معتبر جزیره کلوپ است، بالنسبه از سایر عمارات قشنگ تر است. جمعیت این جزیره از سرباز و ملاح و تاجر و غیره چهارصد نفر است، با کشتیهای جنگی و تجارتی. از بی‌جائی قورخانه و سربازخانه در کشتیهای کوچک بی‌دکل است... مریضخانه خوبی دارند که رفتم دیدم، چهل مریض آنجا بود که همه نوبه می‌کردند... حکیم روس می‌گفت: ناخوشی نوبه وبائی و عمومی شده. از چهارصد سکنه چهل مریض زیاد است. سه چهار دکان مشروبات فروشی و يك دکان خرازی دارد.

۹۰- آشوراده و هرات ص ۴۶ تا ۵۳.

بیست و چهار عراده توپ، روسها در آشوراده و کشتیها دارند. دو کارخانه خوب در آشوراده دیده شد: یکی کارخانه آهنگری است و یکی نجاری که اسباب کشتی می‌سازند. خلاصه در این سفر سی و شش ساعت خوش گذشت. حقیقت سی و شش ساعت در فرنگستان بودم.^{۹۱}

حاجی محمد میرزا مهندس درباره آشوراده می‌نویسد:

«آشوراده را از دور که ملاحظه کردم به نظر طولش از مشرق به مغرب به قدر سیصد ذرع به نظر آمد. در مشرق ده درجه سمت شمالی قلعه سرتک به بعد يك ساعت واقع است. اما از آخر خشکی میانکاله که در کنار بحر است تا آشوراده از روی آب يك میدان فاصله دارد. گامیشاده جزیره ایست در طرف شرقی آشوراده به بعد يك میدان واقع که اکثر اوقات در زیر آب پنهان و گاهی منکشف می‌شود. در میانکاله هر جا را نیم ذرع می‌کنند به آب شیرین و گوارا می‌رسند.»

به نظر می‌رسد که منظور از جزیره گامیشاده، همان جزیره آشوراده کوچک است که شرقی ترین جزیره از مجمع‌الجزایر آشوراده محسوب می‌شود.^{۹۲}

اکنون در نتیجه کاهش آب دریا، سه جزیره آشوراده در طول شبه جزیره میانکاله به هم پیوسته‌اند و خلیج گرگان را به دریای خزر بیش از يك راه نمانده است که همان تنگه خلیج گرگان است.

سرپرسی سایکس در سال ۱۳۱۰ قمری (= ۱۸۹۲ میلادی) در باره آشوراده می‌نویسد:

در سال ۱۸۹۲ میلادی در این جزیره لنگر انداختم و از کوچکی به حیرت افتادم. این جزیره بقدری کوچک است که در موقع طوفان امواج

۹۱- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۴۲ و ۴۳.

۹۲- آشوراده و هرات ص ۲۷ و ۲۸.

دریا آنجا را می‌شوید. آب و هوای آنجا مشهور به بدی است و زندگانی افسرانی که در آنجا مأمورند، باید خیلی پرمشقت و سخت باشد. در این تاریخ در دهانه خلیج گرگان سه جزیره در مجمع‌الجزایر آشوراده وجود داشت و خلیج گرگان از چهار تنگه به دریا راه داشت.^{۹۳} رابینو درباره جزایر آشوراده می‌نویسد:

آشوراده سابقاً شامل سه جزیره بود. جزیره بزرگتر در سال ۱۲۵۶ قمری به شبه جزیره میانکاله متصل شده بود و دو جزیره جداگانه دیگر، روسها جزیره بزرگتر را «ارست Orest» و دو جزیره دیگر را «اژنیس Eugenis» و «اشیک Ashik» می‌نامند.^{۹۴}

ویرانه‌های تزاری در آشوراده

روسها بناهای بسیاری در شبه جزیره میانکاله و جزیره‌های آشوراده ساخته بودند که آثار کمی از آنها برجای است.

در جزیره آشوراده کوچک يك قلعه نظامی، در جزیره آشوراده بزرگ يك قلعه سنگی متوسط که دیوارهای بلند آن تا سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۰ شمسی برجای بود. در میان این قلعه آثار زندان‌های مجرد نمایان بود. در میان صحن قلعه آثار آجرپاره‌های زیاد بود که نشان می‌داد در آنجا نیز اطاقهایی از آجر بنا کرده بوده‌اند.

در نزدیکی این قلعه دو گورستان دیده می‌شود که گنج‌گیران سنگ قبرها را به کنار انداخته و قبرها را زیر و بالا کرده بودند. سنگ قبرها به خط ارمنی و بیشتر به خط روسی بود، تاریخ سنگها به سالهای ۸۰-۱۸۷۰ می‌رسید. بر سنگ قبرها علامت صلیب به اشکال مختلف دیده می‌شد.^{۹۵}

۹۳- آشوراده و هرات ص ۲۶ و ۲۷.

۹۴- رابینو متن انگلیسی ص ۱۶.

۹۵- آشوراده و هرات ص ۷۳ و ۷۴.

جزیره آبسکون کجاست؟

ابوالفتح وثوق زمانی درباره محل آبسکون می‌نویسد:

جزیره آبسکون را بی‌گمان میان سالهای ۶۱۷ و ۷۰۴ قمری آب فراگرفته و ناپدید شده است. تا آنجا که معلوم است، در طول تاریخ، آب دریای خزر در سال ۵۲۹ قمری به کمترین حد خود رسیده است و آن در هنگام سلطنت آتسز (۵۲۱ تا ۵۵۱ به تفاریق) سومین شاه سلسله خوارزمشاهیان بوده است. آن هنگام از مرداب انزلی جز ستری برای رودهایی که بدان می‌ریزند نمانده بود. در جنوب شرقی دریای خزر نیز بر اثر کاهش آب، جزیره‌های چندی از زیر آب بیرون آمده بود که از آن میان جزیره آبسکون است که سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۷ قمری بدانجا پناه برد.

خواجه نصیرالدین طوسی و الخ بیگ آبسکون را در ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نوشته‌اند که با حدود شمال کمیشان کنونی تطبیق می‌کند. با توجه به اینکه جزایر آشوراده در مدار ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی قرار دارند و آبسکون در مدار ۲۱ دقیقه شمالی‌تر واقع شده بود، پس بی‌گمان جزیره آبسکون بجز جزیره‌های آشوراده است. آب دریای خزر چون از نو فزونی گرفت، جزیره آبسکون در زیر آب ناپدید گشت و از آن پس دیگر هیچگاه پدیدار نگشت.

گواه دیگر آنکه در کتاب بساتین الفضل و در فرهنگ جهانگیری و در برهان قاطع که به ترتیب در سالهای ۷۰۴ و ۱۰۱۷ و ۱۰۶۲ قمری تألیف شده‌اند، در جزیره آبسکون هر سه نویسنده می‌نویسند این جزیره را اکنون آب فراگرفته است.

توضیح دیگر آنکه، خواجه نصیرالدین طوسی، هنگام فرار سلطان

محمد خوارزمشاه حیات داشته و از جزیره آبسکون آگاه بوده و محاسبه علمی وی در باره مختصات جغرافیائی این جزیره جنبه عینی داشته نه ذهنی. از اینرو تردیدی نیست که جزیره آبسکون بجز جزیره های آشوراده است و یکی پنداشتن آنها درست نیست.^{۹۶}

صاحب حدود العالم در سال ۳۷۲ قمری می نویسد:

آبسکون شهرکی است بر کران دریا، آبادان و جای بازرگانان همه جهان است کی به دریای خزران بازرگانی کنند و از وی کیمخته پشمن و ماهی گوناگون خیزد.^{۹۷}

و در شرح رودخانه ها می نویسد:

دیگر رودیست به حدود خراسان، آن را رود هرند خوانند، از کوه طوس برود بر حدود آستو و جرمگان برود و میانه گران ببرد و به شهر آبسکون رود و به دریای خزران افتد.^{۹۸}

از شرح بالا که درباره آبسکون نوشته شده، معلوم می شود آبسکون بندری آباد و محل بازرگانان بوده است و از شرحی که درباره رود هرند نوشته شده معلوم می شود این رود میان شهر گران را می بریده و به بندر آبسکون می رسیده و به دریای خزران می ریخته است. رودخانه ای که میان گران را ببرد فقط رودخانه گران بوده و لاغیر و امروز این رودخانه در حدود سه چهار دقیقه بالاتر از پوزه آشوراده به دریای خزر می ریزد بنابراین نباید بیست و یک دقیقه شمالی تر از مدار ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه که مدار شبه جزیره آشوراده است قرار داشته باشد و مسلماً جزیره آبسکون هم باید در مقابل بندر آبسکون بوده باشد و جزیره ای که بیست و یک دقیقه شمالی تر باشد نمی تواند به نام بندر معروف آبسکون نام داشته باشد. بنابراین جزیره آبسکون را

۹۶- آشوراده و هرات ص ۲۸ و ۲۹ و ۳۰. ۹۷- حدود العالم ص ۱۴۴.

۹۸- حدود العالم ص ۴۹.

باید در مصب رودخانه گران که قطعاً مسیر و مسیر آن تا کنون تغییر نکرده جستجو کرد. باز نویسنده حدود العالم در شرح جزایر می نویسد:

جزیره ای دیگر هست اندرین دریا (دریای خزران) و لکن گوشه ای از وی به خشک پیوسته است: برابر دهستان است، آن را «دهستانان سر» خوانند و اندرو اندکی مردم است، صیادان بازانند و حواصل و ماهی.^{۹۹} دهستان از جنوب به خاک گران و از مغرب به حاشیه دریای خزر و از شمال به زاوه و از مشرق به خراسان محدود می شود.

اگر تعیین مدار الخ بیک و خواجه نصیرالدین طوسی را برای جزیره آبسکون دقیق و صحیح بدانیم باید به دنبال شبه جزیره دهستانان سر بگردیم که در سال ۳۷۲ قمری حالت شبه جزیره داشته و احتمال می رود ۲۴۵ سال بعد که سال ۶۱۷ قمری است به علت اضافه شدن آب دریا به شکل جزیره درآمده باشد و در این وقت است که سلطان محمد خوارزمشاه بدان پناه برده و در آنجا جان سپرده است. گران و دهستان میان مدار ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه و رباط کریمینه که روزی در خاک دهستان بوده است بر مدار ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه قرار می گیرد.^{۱۰۰} بنابراین جزیره آبسکون باید مقابل رباط کریمینه در حاشیه شرقی دریای خزر باشد و الله اعلم بحقایق الامور.

۹۹- حدود العالم ص ۲۴.

۱۰۰- نگاه کنید به نقشه شماره ۲ کتاب آشوراده و هرات تألیف دکتر ابوالفتح و ثوق زمانی.

۲- بناها و آثار تاریخی پنجهزاره و کلباد اشرف

مختصری از جغرافیای پنجهزاره

پنجهزاره از دهستانهای حومه بهشهر (اشرف) است. این دهستان در مشرق بهشهر و دو طرف راه آهن بهشهر به بندر ترکمن (بندر شاه) واقع شده. قسمت شمالی این دهستان دشت است که به خلیج گرگان منتهی می شود و قسمت جنوبی کوهستان جنگلی است که از یک طرف به خاک شهر یاری متصل می گردد. مجموع آبادیهای آن به شانزده دهکده می رسد که مهمترین آنها: گلوگاه و خلیل محله و رکوند و مهدی- رجه است. (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

کلباد

دهستان کلباد از دهستانهای بخش بهشهر (اشرف) است این دهستان در حد شرقی بهشهر و آخر خاک مازندران است دهکده های آن در دو طرف جاده اصلی و راه آهن قرار دارد. قسمت شمالی آن همچون دهستان پنجهزاره به خلیج گرگان می رسد و قسمت جنوبی آن کوهستانی و جنگل است. از نه آبادی تشکیل می شود که مهمترین آنها: لمراسک و تیرتاش و تپله نو است.

باغ و عمارت نجف قلی خان مصباح نظام
در دهکده سارو از دهستان پنجهزاره اشرف

حاجی زین العابدین شیروانی در شعبان ۱۳۱۵ قمری درباره این باغ و عمارت
می نویسد:

در دهکده سارو میان راه اشرف به رباط، در وسط راه باغ و عمارت و دیه
خوبی بود. گفتند نامش سارو برون جارو و از حاجی نجف قلی خان مصباح نظام
است. در محل بررسی شد اثری از این باغ و عمارت نبود.

امامزاده یوسف

در رکانده از دهکده های پنجهزاره اشرف

در بازدید محل معلوم شد قدمتی ندارد و آثار تاریخی نداشت. چند اصله
درخت بلوط که نسال اطراف بنای امامزاده است.

مرقد دو پسر امیر مؤید اسماعیل خان باوند
در کلاک پنجهزاره به شهر

دو پسران اسماعیل خان امیر مؤید به نامهای عباس باوند (سهم الممالک) و
اسدالله باوند (هژبر السلطان) که پس از قیام پدر و پسران علیه رضا خان در سوادکوه،
سرهنگ امیر احمدی (بعدها سپهبد امیر احمدی معروف به احمد قصاب) مأمور
دستگیری پدر و پسران می شود و قوای دولتی از فیروزکوه عازم سوادکوه می شوند.
پس از جنگی در سرخاباد قوای امیر مؤید عقب نشینی می کند. این دو پسر از راه
هزار جریب و پایند و به شهر به صحرای یموت به ترکمانان پناهنده می شوند. پس از
استمالت و دلجوئی از ایشان سرهنگ حکیمی - فرمانده قوای گرگان - یکی را
مأمور حفاظت شاهرود و دیگری را مأمور بندرگز کرد. پس از یکی دو سال اقدام
به دستگیری ایشان کردند. پس از دستگیری از گرگان به طرف به شهر فرستاده شدند.

سروان رضا قلی خان - افسر قزاق - ایشان را در کلاک با چند تیرکشت و همانجا
به خاک سپرده شدند.

مرقد ایشان در مسجد دوم کلاک، در محوطه جلو مسجد است و این مطالب
برسنگ مزار ایشان حک شده است:

آرامگاه شادروانان عباس باوند (سهم الممالک) و اسدالله باوند (هژبر السلطان)
فرزندان مرحوم اسمعیل باوند (امیر مؤید سوادکوهی) که در تاریخ سوم ذی قعدة
۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۸ خرداد ۱۳۰۳ بشهادت رسیدند.

امامزاده حسن رضا

در رباط پنجهزاره به شهر

بنائی است آجری با کفش کن و مسجدی در شرق آن. جلو کفش کن چهارستون
چوبین چهارسو باستونهای دهان اژدری و در فاصله میان کفش کن و مسجد نیز چهار
ستون چهارسوبا سرستونهای دهان اژدری است. مسجد دو پنجره چوبین مشبک به
طرف شمال و دو پنجره چوبین مشبک به طرف جنوب دارد.

از مسجد به بنای اصلی بقعه دری کنده کاری دارد. مرقد امامزاده را ضریحی
مشبک چوبین پوشانده است. سقف بنا پلورکش و پل کوبی با درزپوش زده است.
طرف غرب بنا نیز کفش کنی است که دری مشبک به حرم دارد.

در گورستان قدیمی بقعه سنگ مرمری زرد رنگ است که نسبتاً قدیمی است
و این عبارات بر آن حک شده است:

وفات مرحومه صالحه خواتون بنت میر صالح غریب محله

سنه ۱۲۷۴ .

سروی عظیم و شاداب در این گورستان است که محیط تنه آن از یک متری زمین

۳۴۰ سانتیمتر است. (عکس شماره ۳۹۰)

پلی سنگی

میان رکاوند و دهکده خلیل خیل (=رباط)

نویسنده سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ قمری از این پلی سنگی یاد کرده است. در محل تحقیق شد و معلوم شد که این پلی بر روی رودخانه کلات بوده است. امروز اثری از آن برجای نیست.

معصوم زاده

در پاسند پنجهزاره اشرف

مرحوم مهجوری می نویسد: این معصوم زاده دارای گنبد است.^۲ در محل بررسی شد قدیمی ندارد و آثار تاریخی در آن نیست.

پلی آجری

در علی تپه از دهکده های پنجهزاره اشرف

مؤلف سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ از این پلی یاد کرده است و می نویسد: پس از دهکده علی تپه که یک ربع فرسنگ به اشرف است از طرف کلباد پلی آجری است.^۴ از این پلی کوچکترین اثری باقی نمانده است.

امامزاده قاسم

در قریه وله موزی میان کلباد و اشرف

در سفرنامه استراباد و مازندران از این امامزاده یاد شده است.^۵ پس از بازدید محل معلوم شد آن را نوسازی کرده اند و هیچگونه آثار تاریخی نداشت.

امامزاده سیدعبدالله

در سارواز دهکده های پنجهزاره به شهر

بنائی است استوانه ای که زیر آبریز گنبد آن در کمربندی به قطر پانزده سانتیمتر

۲- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۸۰. ۳- مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۵.
۴- سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ قمری ص ۸۰. ۵- همین کتاب ص ۸۰.

آجرهای ظریف کار کرده و بالای این کمربند قریب سیصد گنبدی دور می گردد. گنبد این بنا مخروط تمام است (عکس شماره ۳۹۱ و ۳۹۲). در ورودی کفش کن یک لختی است و کنده کاری نسبتاً ظریف دارد ولی بسیار فرسوده شده است. در ورودی اصلی بقعه دولختی است و آن نیز کنده کاری ظریف دارد اما زیاد هنرمندانه نیست. ضریح چوبین مشبک آلت کاری، مرقد امامزاده را پوشانده است. اطراف امامزاده چهارسرو نسبتاً قدیمی است. اطراف این بقعه گورستانی قدیمی است پس از انقلاب آن را محصور کرده و به نام «بهشت فاطمه» خوانده اند و اجساد شهیدان را در اینجا به خاک می سپارند.

مؤلف سفرنامه استراباد و مازندران درباره این امامزاده می نویسد:

در قریه سارو پس از قریه پاسنگ^۶ بر سر راه کلباد به اشرف است گنبدش آجری است و در میانش دو مقبره بزرگ سفید کاری است و دو درخت شمشاد بزرگ و یک درخت زیتون دارد که به بغل دو نفر در نمی آید و درختان آزاد هم بسیار دارد.^۷

امامزاده احمد معروف به بلند امام

بر سامان اشرف (به شهر) و کلباد پنجهزاره

از بناهای قدیمی و در و صندوق آن نشانی برجای نبود. بنای نوسازی هشت ضلعی از سیمان به جای آن ساخته بودند. از کفش کن به مسجدی می رود که بوسیله راهروی وسط به دو قسمت شده است و از این مسجد به در ورودی امامزاده می رسد. اهالی می گفتند که در سال ۱۳۲۰ شمسی که روسها وارد ایران شده بودند، سربازان روس این بقعه را خراب کردند. در کنده کاری باقیمانده آن هم در سال ۱۳۴۵ شمسی به سرقت رفت.

رابینو در سال (۱۹۰۹ میلادی = ۱۳۲۷ قمری) هنگام عبور از این حدود نوشته های در

۶- ظاهر آ «پاسند» صحیح است. ۷- سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵

۸. ق. ص ۸۰.

این امامزاده را به این شرح یاد کرده است:

قال النبي عليه السلام الدنيا ساعة وجعلها طاعة

بتاریخ ثلث وسبعین وثمانمائه عمل حسین بن استاد احمد نجار ساروی.^۸
دو چنار کهنسال نزدیک یکدیگر که محیط تنه یکی ۷۰۰ سانتیمتر و دیگری ۷۳۰ سانتیمتر است در گورستان امامزاده است. شش اصله درخت بلوط و یکی دو اصله درخت توت و گردو نیز در این محوطه است.

قلعه پائون = قلعه پایان

در سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. آمده است:

قلعه پایان طرف راست راه قدیم میان کلباد و اشرف است.^۹

امروز نیز این قلعه طرف راست جاده آسفالتی میان اشرف (بهشهر) و کلباد است و در فاصله پانصد متری است. کوهی است منفرده که اطراف آن بریده و دیوار مانند است و در دامن رشته شرقی غربی است. آثار آب انبار آن تا این اواخر باقی بود. آن هم به علت روئیدن درختان جنگلی در بالای آن از میان رفت.^{۱۰}

جاده شاه عباس

از کلوگاه به نیالا

این جاده یکی از جاده‌های فرعی است که از راه اصلی شاه عباسی که از شرق به غرب مازندران کشیده شده است جدا می‌شود. این جاده گرده ماهی سنگ فرش شده از گلوگاه به توسکا چشمه و ریگ چشمه و لوسرو نیالا می‌رود. نیالا دهکده ایست که قره‌العین و همراهانش پس از واقعه بدینجا پناه آوردند.

۸- در کتاب بهشهر ص ۲۲۷ از این امامزاده یاد شده است و در Eastern

MazandaranI ص یک از سری Corpus نام این امامزاده آمده است.

۹- این سفرنامه ص ۸۰. ۱۰- در کتاب بهشهر ص ۲۲۸ از این قلعه یاد شده است.

امامزاده هاشم

در جنوب لمراسک کلباد بخش اشرف (بهشهر)

بنای اصلی امامزاده از سنگ و گچ و استوانه‌ای شکل است و بام آن مخروطی است. مصالح آن نیز سنگ و گچ است که روی آن را گچ غربالی کشیده‌اند. مسجدی با بام سفالپوش متصل به بناست (عکس شماره ۳۹۳). صندوق و ضریح امامزاده قدمتی نداشت در اطراف امامزاده گورستانی نسبتاً قدیمی است تاریخ پاره‌ای از سنگها به سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ و ۱۳۳۴ قمری می‌رسد.

متصل به امامزاده سروی کهنسال است که محیط دایره تنه آن از یک متری زمین به ۱۳۵ سانتیمتر می‌رسد. (عکس شماره ۳۹۴) این امامزاده بر ارتفاعات پیشکوه جهان مورا است.

جر کلباد

در دهستان کلباد اشرف

به دستور شاه عباس صفوی خندقی در میانه راه اشرف به استراباد نزدیک کلباد کنده‌اند تا سدی در جلو ترکمانان باشد. صاحب تاریخ گیتی گشا درباره این خندق می‌نویسد:

جر حفرة ایست بطریق خندق بسیار عمیق و آن راهی است بجهت معبر دقیق، سلطان جنت مکان شاه عباس صفوی بجهت سد راه ترکمان و انسداد طریق سلوک و عبور آن طوایف دزدان، حفرة مذکور را حفر کرده. یک جانب آن را به کوه متصل و یک طرف را به حدود دریا آورده، به رسم زمین مازندران و قراء آن عرصه بهشت نشان، اکنون از اطراف درختان قوی رسته و اشجار ستر به هم پیوسته، اغصان متصله بر یکدیگر پیوسته، از هیچ مکان آن در چهار فرسنگی طول بهیچ وجه عبور مقدور و بجز از همان

راه باریک مرور میسور نمی بود.^{۱۱}
صاحب روضه الصفا دربارهٔ جر کلباد مطالب زیر را نوشته است:

در ایام سلطنت شاه عباس ماضی صفوی که در انتظام امر مازندران و استراباد اهتمام تمام داشت، به ملاحظهٔ تاخت و تاراج طوایف ترکمانیه مقرر فرمود که از حوالی کوه متصل به اشرف البلاد تا ساحل و لب دریای خزر که طولاً چهار فرسنگ است، خندق عمیق حفر نمودند که سواران آن نتواند گذشت و دو طرف آن درختان قوی فرو گرفته و عبور از آن در کمال اشکال بل محال است و راه عبور از مازندران به استراباد منحصر به معبر آن است و هر گاه کسی در آن معبر نشیند و مانع شود، راهی دیگر از استراباد به مازندران و از مازندران به استراباد نخواهد بود چون جر به معنی شکاف و حفره و خندق است و این جر در حوالی قریهٔ کلباد واقع است و به «جر کلباد» موسوم و مشهور گردیده.^{۱۲}

رضاقلی خان هدایت در سفر خوارزم روز بیست و سوم جمادی الثانی سال ۱۲۶۸ ه. ق. جر کلباد را دیده و دربارهٔ آن نوشته است:

جر در لغت فارسی جای بریده و دریده و کنده را گویند. در زمان صفویه طایفهٔ تراکمه از سمت گرگان و استراباد به حوالی اشرف آمده سرقت می نمودند. شاه عباس صفوی فرمان داد که از حد کوه الی آب دریا خندق عمیق طولاً چهار فرسخ و عمقاً ده ذرع کنندند و راهی باریک از معبر خیابان که دو طرف آن جنگل است گذاشتند و در آنجا مستحفظی گماشت. در واقع سد طرق تراکمه بوده و سوار و پیاده به ازدحام و انبوهی نمی توانند که از آن جانب به استراباد و کلباد و اشرف و غیرهم ترکناز آورند. اکنون

۱۱- تاریخ گیتی گشا ص ۲۴۹ و ۲۵۰. نام «کلباد» نخستین بار در تاریخ بناکتی آمده است. این کتاب در سال ۱۳۴۸ شمسی به کوشش جعفر شمار منتشر شده (به شهر ص ۱۰۶)
۱۲- روضه الصفا ج ۹ ص ۷۳. در نسخهٔ عکسی ملگنوف ص ۵۱ آمده است: جر کلباد از کنار قریهٔ گلوگاه، نه فرسخی شهر استراباد می گذرد.

از مروردهور آن جر آکنده شده و اشجار رسته، معهداً عبور سوار از آن به صعوبت ممکن است.^{۱۳}
محمد حسن خان اعتماد السلطنه از روی سفرنامهٔ رضاقلی خان هدایت دربارهٔ جر کلباد می نویسد:

جر کلباد از بناهای صفویه است. طایفهٔ تراکمه از سمت گرگان و استراباد به حوالی اشرف به دزدی می آمدند. شاه عباس فرمان داد از حد کوه تالب دریا خندق طولاً چهار فرسخ و عمقاً ده ذرع کنندند و راهی باریک از معبر خیابان که دو طرف آن جنگل است گذاشتند و در آنجا مستحفظی گماشت و در واقع سد طریق تراکمه بود.^{۱۴}
بوهلر مأموریت داشت تا حاشیهٔ دریای خزر را بررسی کند و بهر کجا که لازم باشد استحکاماتی به وجود آورد. در این بررسی دربارهٔ جر کلباد می نویسد:

ار اشرف تا خورشید کلا سه فرسخ و نیم و از خورشید کلا بقدر نیم فرسخ خندق خرابه ایست که در سنوات سابق از رشته تپه های کوچک الی لب دریا کنده بودند بجهت تشخیص سرحد مازندران و استراباد و از خندق مزبور در میان جنگل الی نوکنده یک فرسخ و نیم راه مارپیچ است.^{۱۵}

باروئی در امتداد جر کلباد

رأینو دربارهٔ این بارو می نویسد:

از گلوگاه راه خود را از میان جنگل تعقیب نموده به جر کلباد آمدیم که مرز ایالت مازندران است و حصار بلندی و خندق در سمت شرقی آن است که از دامنهٔ کوهستان و میان جنگل و مجرای باتلاقی به ساحل دریا می رسد. این حصار چند سال پیش از سفر گملین Gmelin در سال

۱۳- سفارت نامهٔ خوارزم ص ۲۷. ۱۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۴.

۱۵- بوخلر ص ۴۹ و ۵۰.

۱۷۷۱ میلادی (۱۱۸۵ قمری) به فرمان محمد خان سوادکوهی - حاکم مازندران بر پا شد^{۱۶} تا از هجوم ترکمنها به مازندران جلوگیری کند. در این بارو میان کوه و دریا نه برج وجود داشت.^{۱۷} در بازدیدي که از جرکلباد به عمل آمد، امروز از این بارو کوچکترین اثری باقی نیست.

ملگنوف جرکلباد را با دیواری از سنگ معرفی می کند و از نقل قول دیگران چنین می نویسد:

گویند در زمان نادر شاه و شاه عباس دیواری از سنگ از دامنه کوه بود تا کنار دریا که هم حد و هم سد بود. اگر تراکمه هجوم آوردندی، بسدان دیوار پناه جستندی و خندق عمیق نیز بود که اکنون هم آثاری پیداست.^{۱۸}

آنچه از جرکلباد امروز باقی است

از کنار جاده قدیم ساری به گرگان بیش از یک کیلومتر از جرکلباد باقی و برقرار است. این خندق عظیم از کنار جاده تا پای کوه «بردنا» رو به جنوب کنده شده است و به علت پوشش جنگلی و نداشتن آب کافی تبدیل به کشتزار نشده است. درازای این جر در قدیم به شش کیلومتر می رسید و از دامنه کوه بردنا تا خلیج گرگان ادامه داشت.

در اراضی غربی این جر آثار بناهای قدیمی فرو ریخته فراوان دیده می شود که ظاهراً آثار باقی مانده شهر «نامنه» است.

فاصله میان جرکلباد و دیوار تمیشه که دقیقاً اندازه گیری شد بیست کیلومتر

۱۶- رابینو بانی این حصار را محمد خان سوادکوهی دانسته، در صورتی که زمانی که اشرف را شاه عباس آبادانی کرد این سد را ساخته است. ۱۷- سفرنامه مازندران و استراباد ص ۹۴. ۱۸- نسخه عکسی ملگنوف ص ۳۸ ب.

تمام است و از دیوار تمیشه تا دیوار دفاعی قول آلان (تجینه) که از دهکده صفا- ایشان و گمش تپه شروع می شود چهل کیلومتر. عمق کنونی جرکلباد نزدیک به کوه بردنا ده متر و پهنای آن دوازده متر و ارتفاع خاکریز غربی آن از سطح زمین هشت متر است. این بررسی در تیرماه ۱۳۶۴ شمسی به عمل آمد.

تپه عمارت کلباد
در دهکده کلباد به شهر ساری

یکی از همراهان درن در سال ۱۲۷۵ ه. ق. سفرنامه ای درباره سفر خود در استراباد و مازندران نوشته است. در این سفرنامه درباره تپه عمارت مطالب زیر آمده است:

دوره تپه عمارت را خندقی حفر نموده اند که دیوارش بلند و خاک ریزش مثل قلعه است. از دروازه ای معین داخل می شود که عمارات اندرونی و بیرونی و حوض آب و حمام و دیوانخانه سفالپوش و چند در خانه های نوکران گالی پوشی است و بیرون دروازه باغ توت و خانه های گالی پوشی می باشد و آبش از کوه می آید و بغیر از این راه که معین است راه دیگر ندارد. جایی بسیار باصفا و دلگشا است که صحرای ترکمن و دریای خزر و آشوراده و بندرگز و میانکاله و محلات کلباد و انزان همه نمایان می باشد و این عمارت تپه از بناهای میرزا محمدخان کلبادی است که حال (سال ۱۲۷۵ قمری) در تصرف رضا قلی خان و مرتضی قلی خان پسران میرزا محمد خان می باشد.^{۱۹}

محمد حسنخان اعتماد السلطنه از روی سفرنامه خوارزم رضاقلی خان هدایت در باره تپه عمارت کلباد می نویسد:

۱۹- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۷۸.

در طرف یمن راهی بود که به کوهی بلند صعود می نمود و در کمر کوه پشته و جریبی زمین مسطح واقع و اطرافش از بلندی آیندگان را مانع. عمارت و اندرون و اصطبل و مطبخ و مهمانخانه و غیره هر چه باید در آنجا ساخته اند. قلعه ایست خدا آفرین و منظر آن دشت و سبزه و درخت و دریا و سفاین بحری نیز مشهود است.^{۲۰} از این بنا جز نام و آثار ناچیز، چیزی باقی نیست.

مسیر فریزر در برگشت از استراباد
در جاده شاه عباسی

فریزر درباره این جاده می نویسد:

از استراباد راه ما در امتداد جاده شاه عباسی بود که از کارهای عمومی مفید شاه عباس است. شاه عباس که منطقه مازندران و گیلان را بارانی دیده، شاهراهی از گسکر در قسمت غربی گیلان تا گردنه ای در مشرق استراباد که به بسطام می رود، کشیده و از بالای این گردنه تا میامی و جاجرم تا نزدیکی چناران (چهل و پنج میلی مشهد) ادامه داده است.

معروف است که کف این جاده را ابتدا گودبرداری کرده و سپس با شن و سنگ پر کرده و پس از آن با سنگهای درشت روی آن را سنگ فرش کرده اند.

مک دونالد کینر Mac Donald Kinnear از قول جناس هنوی Jonas Hanway می گوید که این سنگ فرش در بعضی جاها بیست یارد پهنا داشت. اگرچه این راه از زمان هنوی تا امروز تغییری نداشته ولی پهنای آن امروز بیش از ۱۵ تا ۱۶ فوت نیست. این جاده در محلهائی که جمعیت کم دارد یا ترکمنها آنجا را خالی از سکنه کرده اند،

۲۰- مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۴.

سالمتر مانده، چون آمد و رفت کمتر بوده است. میان بسطام و چناران که اراضی اطراف جاده محکم و سفت است، راه سالم است ولی در دامنه تپه ها که خاکی نرم و آمد و رفت زیاد است، این راه خراب شده و از میان رفته است. در جاهائی که از جاده چیزی باقی مانده سنگهای درشت بیرون آمده و عبور را مشکل کرده است. راه از استراباد (گرگان امروزی) به دره کرد محله (کردکوی امروزی) از میان جنگل می گذرد و بوته های خار و انار وحشی مانع عبور و مرور است. از استراباد تا کرد محله ۲۳ میل راه را در دو ساعت و نیم پیمودیم. مسیر ما به طرف شمال غربی بود.^{۲۱} از کرد محله به فاصله ۱۴ میل نوکنده است و نوکنده در حدود دو میلی کنار جاده است و حمزه خان حاکم آنجا است.^{۲۲}

از کرد محله تا اشرف (به شهر) ۲۶ میل است. راه در امتداد جاده شاه عباسی است، گاهی از روی آن و گاهی از پهلوی آن عبور می کردیم. در شش میلی نوکنده، از دروازه ای که روی در خرابی داشت گذشتیم.^{۲۳} که سابقاً بسیار مستحکم بوده است. این دروازه حد میان استراباد و مازندران است و این حد روزی از کوه تا دریا کشیده شده بود.

از اشرف به «پل سر» (بکسر لام) نکا آمدیم. این دو نقطه در حدود ۱۷ میل فاصله داشت. مسیر ما به طرف غرب غرب جنوبی بود. در روی سنگ فرش جاده شاه عباسی حرکت می کردیم و وضع آن بهتر از پیش بود. در بعضی جاها که سنگها از میان رفته بود، روی قلوه سنگ و شن حرکت می کردیم. این قلوه سنگ و شن را روزی کوبیده بودند و زیر سازی مستحکمی ساخته بودند. در بعضی جاها که سنگ فرش از میان رفته بود، این زیر سازی با دوام دیده می شد. در بعضی جاها طبقه زیرین

۲۱- سفرنامه فریزر ص ۱۳. ۲۲- همین کتاب ص ۱۴ و ۱۵.

۲۳- این دروازه جرکلباد بوده است.

زیرسازی از آجر بود که در پاره‌ای جاها نمودار بود که بر اثر از میان رفتن طبقات رو از زیر درآمده بود.

با نزدیک شدن به نکا، کوههای طرف چپ ما به عقب رفت و منطقه نسبتاً باز پیدا شد^{۱۴}. رودخانهٔ پرآبی از وسط دهکدهٔ نکا می‌گذرد که روی آن محمد حسن خان قاجار^{۱۵} پلی بسته، این پل یک دهانه و بسیار زیباست و نام «پل سر» به علت وجود این پل است.

از نکا به ساری رفته که در حدود ۱۸ میل فاصله دارد. راه ما در جادهٔ سنگ فرش شاه عباسی بود که از میان جنگل و مزارع می‌گذشت.^{۱۶} این راه شبیه راههای زیرسازی شده خوب انگلستان بود. وسط آن برآمده و گرده ماهی بود و دوطرف آن آبرو داشت.

در یک میلی ساری به رود تاجن رسیدیم. از روی پلی محکم و زیبا که ۱۷ دهنه داشت گذشتیم. این پل را نیز محمد حسن خان قاجار ساخته است. عرض این پل سفید ۲۴ فوت است و کمی باریک است. اشتباهی که در اغلب پل‌سازیهای ایرانی است. این پل نیز مانند پل نکا روی در خرابی دارد. رودخانه بر اثر سیلابی شدن، دو دهانهٔ شرقی آن را کنده است و دهانهٔ سوم نیز در حال فروریختن است.

محمد قلی میرزا - حاکم مازندران یکی از پسران شاه است و باید قبل از ورود به شهر از او کسب اجازه کنیم.

در این وقت بدیع الزمان میرزا - حاکم استرآباد و اشرف - تیمور میرزا - حاکم آمل - اسکندر میرزا، نایب پدرش محمد قلی میرزا در بارفروش (= بابل) ، محمد قاسم میرزا رامسی خواستند به تنکابن بفرستند.^{۱۷}

۲۴- سفرنامه فریزر ص ۳۲ ۲۵- متولد ۱۱۲۲ و متوفی ۱۱۷۱ ه. ق.
۲۶- سفرنامه فریزر ص ۳۳ ۲۷- سفرنامه فریزر ص ۳۸

راه ساری به بارفروش (= بابل امروزی) در حدود سی میل است که در امتداد جادهٔ شاه عباسی است. راه بسیار بد بود و در پاره‌ای جاها برای عبور و مرور چوب ریزی کرده بودند.^{۱۸}

ده میلی بارفروش از علی آباد (شاهی = قائم شهر امروز) که نظر هنوی را جلب کرده است گذشتیم. چهار میلی علی آباد از رودخانه‌ای کوهستانی به نام «تالار» عبور کردیم. اراضی پس از رودخانه باز است ولی منظره‌ای از شهر بارفروش دیده نمی‌شود چون خانه‌های آن در جنگل پراکنده است.^{۱۹}

از بارفروش تا آمل ۲۲ میل است. اراضی اطراف باز است. رودخانه‌ها جاده را قطع می‌کنند و پلهای آجری که تنها اثر جادهٔ شاه‌عباسی بود قابل عبور بود.^{۲۰}

تپه‌های اشرف البلاد (بهشهر)
از غرب به شرق

- ۱- نرگس تپه در جنگل پیر امام در جنوب زاغمرز
- ۲- صدری تپه در جنوب شرقی زینوند
- ۳- یخچال تپه در جنوب عسکر آباد
- ۴- اسکار دین تپه در جنوب حسین آباد
- ۵- لهدین تپه نزدیک به قره تپه
- ۶- مهترکش تپه « « «
- ۷- عناب تپه « « «
- ۸- چاق دین تپه نزدیک به قره تپه

۲۸- سفرنامه فریزر ص ۸۰ ۲۹- همین کتاب ص ۸۱
۳۰- همین کتاب ص ۱۰۰

- ۹- سرخ‌دین تپه نزدیک به قره تپه
 ۱۰- چل‌دین تپه « « « «
 ۱۱- شغال تپه = شال تپه « « « «
 ۱۲- قره تپه که دهکده قره تپه روی آن ساخته شده است.
 ۱۳- گوهر تپه یا (گذار تپه) در شمال رستمکلا (حفاری شده و آثاری به دست آمده که در موزه ایران باستان است) نظیرهاون سنگی سفید.
 ۱۴- موسی تپه در شمال شرقی گرچی محله.
 ۱۵- شاه تپه در شمال شرقی گرچی محله
 ۱۶- بهرام خیل تپه در شمال غربی زیروان
 ۱۷- زیروان تپه در جنوب غربی زیروان
 ۱۸- همایون تپه در شمال اشرف (بهشهر)
 ۱۹- دینه سرتپه در شمال لمراسک
 ۲۰- گراودین تپه در شمال گلوگاه
 ۲۱- شکر تپه « « « «
 ۲۲- قلعه کش تپه « « « «
 ۲۳- چنگل تپه^{۲۱} « « « «
 ۲۴- محمد قلی سنگر که بر بالای آن آثار بنا برجای است.^{۲۲}
 ۲۵- یاقوت تپه پشت مرغداری خالقی که نزدیک گوهر تپه و موسی تپه است.

۳۱- چنگل به معنی چغندر است. ۳۲- بهشهر ص ۱۰ و ۹.

- غارهای اطراف بهشهر غیر از دوغار معروف هوتو و کمر بند
 ۱- غار کوتر کولی در دوازده کیلومتری جنوب بهشهر، کنار رودخانه مهربان (مهربان) = نکا. در این غار آثار ساختمان آجری و تیرهایی از چوب درخت آزاد وجود دارد.
 ۲- غار «لی» در کنار رودخانه مهربان نکا که = دهکده‌های کنت و یعقوب محله ولرد نزدیک آن است.
 ۳- غار «سیالی» و غار بزرگ قلعه در لرد (بفتح دولام).
 ۴- غار کوسان (کوهستان امروز).
 ۵- غار گرچی محله
 ۶- غار رستمکلا.
 ۷- غار ال تپه. (بفتح الف نوعی درخت جنگلی است).
 ۸- غار نارم در مسیر رودخانه نکا.
 ۹- غار بی بی خانم در مسیر رودخانه نکا.

شماره ثبت تاریخی بناهای مازندران

۷۴۶	غار هوتو	۵۸	کاخ صفی آباد
۹۴۸	چشمه عمارت	۷۴۵	سد عباس آباد
۵۷	باغها و عمارات بهشهر	۱۵۳۷	باغ چهل ستون
۱۰۰۵	آب انبار میرزا مهدی	۳۶۱	بقعه امامزاده عباس ساری
۲۱۲	سلطان زین العابدین	۲۵۳	سلطان محمد رضا
۲۱۱	امامزاده یحیی	۱۵۴	ملا مجدالدین
۱۵۳۶	پل تجن	۳/۱۳۷۶	مجموعه فرح آباد
۱۰۲۸	امامزاده قاسم	۱۰۲۷	شاه فخرالدین
۱۰۲۹	امامزاده صالح	۱۰۳۰	امامزاده عیسی بن کاظم

بخش ششم
بناها و آثار تاریخی ناحیه کوهستانی هزار جریب

از آستارا تا آستارباد		۷۲۲
برج لاجیم	۱۸۵	برج رسگت ۱۹۳
سلطان محمد طاهر	۶۷	پل محمد حسن خانی ۱۴۱۴
درویش فخرالدین	۶۴۱	امامزاده قاسم ۳۴۲
امامزاده ابراهیم آمل	۶۳	امامزاده ابراهیم بابلسر ۳۴۳
بقعه شمس	۶۰	امامزاده خضر ۱۲۴۸
میر بزرگ	۵۹	سه سید (میر حیدر) ۶۱
شمس آل رسول	۱۰۵۷	امامزاده قاسم ۳۴۸
بقعه شمس طبرسی	۶۲	۲/۱۰۶۰ بنای آتشکده
سید علی کیا سلطان	۳/۱۴۱۵	شاه بالو ۷۶۸

مختصری از جغرافیای طبیعی هزار جریب

هزار جریب که نام آن در کتب تاریخی مازندران به صورت هزارگری و هزاره-گری آمده است، سرزمینی است کوهستانی که حدود چهارگانه آن از این قرار است: از طرف جنوب به رشته اصلی البرز و از شمال به رشته کوههای جهان مورا و از طرف مشرق به کوههای خوشانگور و یانه سر و سرخ گریه و لت کومه و از غرب به رشته کوهی که در امتداد رودخانه نالار و در شرق آن است. در این بخش جغرافیائی که زیباترین و پهناورترین و آبادترین ناحیه کوهستانی رشته البرز است رودخانه عظیم تجن با شاخه های طولانی و ممتد آن و رودخانه نکا از میان آن جریان دارد.

تقسیمات بخش هزار جریب

بخش هزار جریب به دو ناحیه چهاردانگه و دودانگه تقسیم می شود. ناحیه چهاردانگه شامل شهریاری و هزار جریبی و سورتیجی است. شهریاری نام دهکده های کنار رودخانه نکا است که آب این رودخانه خود جداگانه به دریا می ریزد و آب آن داخل رودخانه تجن نمی شود. هزار جریبی دهکده هائی را گویند که کنار رودخانه زارم رود است و این رودخانه در دو آب زیر دست دهکده گرم رود به عمود رودخانه تجن می پیوندد. سورتیجی نام دهکده هائی است که کنار رودخانه گرماب رود است و این رودخانه

نزدیک دودهکده «ورند» و «تاکام» با عمود رودخانهٔ تجن تلاقی می‌کند.

بخش دودانگهٔ هزارجریب شامل: نرم‌آب و بندرج^۱ و فریم (پریم) و بنافت^۲ و پشتکوه است. نرم‌آب دهکده‌های کنار شاخهٔ شرقی غربی رود پلور و عمود آن را گویند و پشتکوه شامل دهکده‌هایی است که کنار شاخهٔ شمالی جنوبی آن می‌افتند. بندرج شامل دهکده‌هایی است که کنار یکی از شعب چپ تجن است که حوالی تاکام و ورند به عمود اصلی تجن می‌پیوندند. فریم شامل دهکده‌هایی است که تقریباً در امتداد قسمت بالای عمود اصلی رود تجن قرار می‌گیرد.

بنافت آخرین بخش هزارجریب است که دهکده‌های آن کنار رودی است که آب آن از کسلیان می‌گذرد و به رودخانهٔ تالار می‌ریزد. پشتکوه شامل دهکده‌هایی است که در سرچشمه‌های رود پلور^۳ است.

هزار جریب دیگر

در متون تاریخی مازندران به هزارجریب دیگری نیز برمی‌خوریم. این هزار-جریب بردروازهٔ شهرسازی است و زمینی است متعلق به ونداد هر-مزد که املاک خالصه بود و از جریر بن یزید - والی خلیفه در طبرستان - خرید^۴.

بررسی نگارنده در منطقهٔ پهناور هزار جریب

نگارنده برای بررسی آثار تاریخی هزارجریب چندین سفر به این منطقه کرد یک بار به اتفاق دوستان موافق پیاده از سمنان به سنگسر و شه‌میرزاد و از راه شیخ چشمه - سر و طی گردنه‌های دورودراز به فلات خنگ و ارد شدید و پس از گذشتن از چاشم ، از کوه زرنگیس بالارفتیم و راه پرپیچ و خم گردنهٔ «گوگلی» را طی کردیم. سپس از دهکده‌های میان و پاچی و خشتستان و خوش رودبار و سیادشت و علی‌آباد و کهنه ده و و بهندر به رسگت پایین و رسگت بالا رسیدیم و پس از طی گردنه‌ای بلند به پل سفید کنار

۱- بفتح باء و فتح راء . ۲- بضم باء و سکون فاء .

۳- بفتح پ و واو . ۴- بلدان این فقیه ص ۳۰۴.

تالار فرود آمدیم.

باردیگر ازساری به پایین دزا و بالادزا و سنگ تراشان و تلو کلا و نوده و ریگ چشمه و تاکام آمدیم و از اینجا کنسار آب گرماب رود به پاچا و مازارستاق و تلو کلا و دیگر و کیاسر و لنگر و جمال‌الدین کلا رفتیم و از همین راه به ساری بازگشتیم. در این سفر بررسی آق‌مشهد و لاجیم نیز انجام شد.

باردیگر با آقای هرمن پوربرار لیمونی از راه نوکنده برای بررسی امامزاده سفیدچاه رفتیم. نوکنده دره شرق گلوگاه است و تا سفیدچاه سی و یک کیلومتر فاصله دارد. جاده ابتدا کنار رودخانه می‌رود و پس از طی سربالائی‌های تند از بازوی کوه سرازیر می‌شود. در این سراسیمی دهکده‌های زیردر دوردست دیده می‌شوند.

پیشه‌بند (بکسرباء دوم) - کیاسر - استارم (بکسرف و فتح راء) - فته کش (بکسرفاه و تاء و فتح کاف) - پتته‌نو - اندرات (بکسرف و دال) و دهکده‌های دیگر. دهکدهٔ وزوار (بکسرواو) بر سر راه ماست و تا سفیدچاه که شمال رودخانهٔ نکاست شش کیلومتر فاصله دارد. راهی است با سربالائی‌های تند و سراسیمی‌های بسیار خطرناک. تسلط آقای لیمونی بر ماشین و تجربهٔ گذشته او، جان‌مان را از خطر نجات داد. بار آخر در تیرماه ۱۳۶۵ در خدمت آقای علی‌باباعسگری نقاط زیرمورد بررسی

قرار گرفت :

گلوگاه به سفیدچاه	۳۶ کیلومتر یا نه‌سر	به سرخ‌گریه از طریق
سفیدچاه به پتته‌نو	۱۰ کیلومتر	عبداللهی
پتته‌نوبه ارزت	۵ کیلومتر	سرخ‌گریه به پتته‌نو
ارزت به بادله	۲ کیلومتر	پتته‌نو به الارز
بادله به عبداللهی	۴ کیلومتر	الرز به شمشیربر
عبداللهی به یانه‌سر	۵ کیلومتر	شمشیربر به سفیدچاه

با این سفرهای چند روزه نگارنده نتوانست یک‌دهم آنچه را که شایسته و بایسته است ببیند. از اینرو کاری که انجام شده ناقص و ابراست. امیدوار است یک

سالی را در این سرزمین بی نظیر بگذراند تا بتواند کاری انجام دهد که در خور عرضه کردن به پیشگاه اهل تحقیق باشد. بمنه و جوده و کرمه .

۱- بناها و آثار تاریخی شهر یاری چهار دانگه هزار جریب کنار رودخانه تکا

امامزاده عبدالله

در الارز^۱ شهر یاری چهار دانگه

بنای اصلی استوانه شکل است که از سنگ و گچ بنا شده و روی آن راسفیدکاری کرده اند. بام بنا سفالپوش است . داخل بنا صندوقی قاب و گره تازه کار مسرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۲۰ و بهنایش ۱۲۸ و بلندی آن نیز ۱۲۸ سانتیمتر است . مسجدی که طرح آن مستطیل شکل است با بامی سفالپوش نزدیک بنای اصلی امامزاده است. (عکس شماره ۳۹۵ و ۳۹۶) اطراف بقعه و مسجد گورستانی قدیمی است که سنگهای قبور آن عمودی قرار داده شده است و پاره ای از قبرها دو سنگ یکی در بالا و یکی در پایین قبر گذاشته اند. اطراف بنای مسجد و امامزاده درختان کهن ون (زبان گنجشگ) و آزاد زیاد است . بالای امامزاده چشمه ای پر آب و خوشگوار است که آب دهکده الارز از آن تأمین می شود .

۱- بفتح الف و سکون راء و زاء.

امامزادگان عبدالرحمن و منصور و ابراهیم فرزندان

احمد بن موسی رضا

در سفیدجاه شهریاری چهاردهنگه هزار جریب ساری

از بنای قدیمی امامزاده نشانی نبود. گنبدی عظیم بسا مسجدی نوساز بسا کاشیکاریهای ظریف و خوش خط بتازگی (مهرماه ۱۳۶۳) بجای آن ساخته بودند که در موقع بازدید مشغول سیم کشی و نصب موتور برق بودند. (عکس شماره ۳۹۷) گورستان اطراف این امامزاده را می توان یکی از عجایب سبعة مازندران دانست. چندین هزار لوح مزار سیاه رنگ با طرحهای مختلف در این گورستان است. پشت لوحها اغلب نقش و نگار و گاهی آلات و ادوات اصلی زندگی متوفی نقر شده است. (عکس شماره ۳۹۸ و ۳۹۹). خط خوش در میان نوشته های این لوحها دیده نشد. کنده کاری عبارات را باید يك نوع نقر خراش مانند دانست. قدمت آنها پیش از اواخر دوران صفوی نیست ولی کثرت لوحها و عظمت گورستان جلب نظر می کند. لوحها ایستاده و برپاست و خود دلیلی است که در قدیم گروه مشخص مذهبی در اینجا به خاک سپرده می شده اند. امروز نه تنها از دهات نزدیک یا دور هزار جریب اجساد مردگان خود را بدینجا می آورند، بلکه از کرد محله (کردکوی) که آن طرف کوه است و در حدود سی کیلومتر بسا راه کوهستانی فاصله دارد، تابوت مردگان خود را بدینجا می کشانند. برای بررسی و مطالعه این سنگها دو سه ماهی وقت لازم است. فعلا بسا تنگی وقت اینجانب سازگار نیست. صندوق قدیمی میان گنبد اصلی بناست. درازای آن ۲۶۰ و پهنا ۱۳۵ و بلندی ۷۲ سانتیمتر تا بالای پایه است. پایین صندوق و پایه های چهارگانه را با تخته ای کنده کاری شده به درازای ۲۸۰ و پهنای ۱۱۵ و بلندی پنجاه سانتیمتر پوشانده اند. (عکس شماره ۴۰۰) چهار بدنه اصلی صندوق کنده کاریهای ظریف دارد ولی نوشته ها با خط خوشی نیست. (عکس شماره ۴۰۱) کار صندوق نظیر صندوق مرقد امامزاده عباس ساری است.

عباراتی که بر حاشیه بالای جانب جنوبی صندوق است:

دیگر^۲ مشاهد امام زادگان بقریه سفیدجاه^۳ هذا امام زادگان بقریه سفیدجاه عبدالرحمن و منصور و ابراهیم فرزندان^۴ احمد بن موسی رضی اللهم صل علی محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن (عکسهای شماره ۴۰۲ تا ۴۰۸).

عباراتی که بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق است:

جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن صاحب زمان صلوات الله.^۵ (عکسهای شماره ۴۰۹ تا ۴۱۲).

مطالبی که بر حاشیه بالای بدنه شرقی صندوق حک شده است:

فرماننده این صندوق شریف شاه^۶ بن حسین عرب بدست استاد اجل عبدالله گیلانی کاتب عیق^۷ بن فخرالدین بن محمد حاجی فی تاریخ خمسین و ثمانمائه سما^۸. (عکسهای شماره ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵).
هیأت CORPUS در سال ۱۳۵۵ شمسی (۱۹۶۷ میلادی) از اینجا بازدید کرده و درباره آن نوشته اند:

در میان فرنگیان نخستین بار رابینو در سال ۱۲۷۷ ه. ق. از این امامزاده یاد کرده است. اما قبل از سال ۱۲۷۷ هیچیک از فرنگیان این محل را ندیده است. چون راه رسیدن به آن مشکل بوده است. محیط

۲- ظاهراً «ذکر». ۳- امروز سفیدجاه گویند. ۴- فرزندان به جای فرزندان.
۵- الف الله افتاده است. ۶- شاید «شروین شاه» احتمال دارد حکاک و نقار همچنانکه زاء فرزندان را در کتیبه قبل انداخته بود، و او شروین را نیز از قلم انداخته باشد. تازه شروین شاه بن حسین عرب شخصیتی ناشناخته و غریب است.
۷- شاید «عیوق» اگر حدس ما درست باشد نخستین باری است که این نام را بر آدمی اطلاق کرده اند. ۸- منظور از کلمه «سما» معلوم نشد.